

بعضی تضمینهای حافظ

بقلم استاد علامه آقای

محمد فروزی

مقدمه

تضمین یکی از صنایع بدیع است و آن عبارت است از اینکه شاعر مصراع‌ی یا بیته‌ی یا دو بیت از شعر شاعری دیگر در میان شعر خود درج کند بجائی مناسب بر سیل و تمثیل و بیت مضمن باید که در السنه و افواه ادبا مشهور باشد تا شنونده را تهمت و شبهت سرقت در حق شاعر دوم نیفتد چنانکه رشید و طواط گفته :

نمود تیغ تو آثار فتح و همت فلک چنین نماید شمشیر خسروان آثار
مصراع ثانی از عنصری است از قصیده بسیار مشهور او در تهنیت سلطان

محمود غزنوی بفتح خوارزم که مطلع آن اینست :

چنین نماید شمشیر خسروان آثار چنین کنند بزرگان چو کرد باید کار
تیغ شاه نگر نامه گذشته مخوان که راست گوی تر از نامه تیغ او صد بار
و گاه باشد که شاعر تنبیه کند در بیت خویش که درین شعر چیزی از گفته
دیگران تضمین میکنم چنانک انوری گفته است :

شیهه اوست چنان چون یمین شیهه شمال
بششصد و نودوشش کم است دال از ذال
نه از طریق تنحل بوجه استدلال
ولیک زین بنگین - ان کشندوزان بحوال

نه هر کرا بلقب با کسی مشابعت است
که دال نیز چو ذال است در کتابت لیک
درین مقابله یک بیت ازرقی بشنو
« زمر آدو گیه سبز هر دو هم رنگ اند

و نیز هو گفته :

لایق حال خود از شعره هزی يك دویت شاید از تضمین کیم کان هست تضمین صواب
 « اندرین مدت که بودستم ز دیدار تو فرد جنت بودم با شراب و با کباب و با رباب
 بوداشکم چون شراب اهل در زربین قدح ناله چون زیر رباب و دل چو بر آتش کباب »
 و سوزنی گفته است در مدح صدر جهان محمد بن عمر بن عبد العزیز بن مازہ
 رئیس بخارا :

سلطان علم دینی و دنیا از آن تست چون نیکخواه دولت شاه معظمی
 در مدح تو بصورت تضمین ادا کنم يك بیت رودگی را در حق بلغمی
 « صدر جهان جهان همه تار يك شب شدست از بهر ما سپیده صادق همی دمی »
 و اغلب تضمینهای خواجه و سایر شعراء مشاهیر از نوع اول است یعنی اینکه
 شاعر دوم نام شاعر اول را که شعر او را تضمین نموده در اشعار خویش نبرده و مجرد
 شهرت شعر مضمون را در رفع هر گونه توهم سرقت یا انتحالی در حق خویش کافی
 دانسته است مانند تضمین های مشهور ابو بکر خوارزمی و عبیدزاکانی و بسحق اطعمه
 و غیر هم .

اما در باب حافظ بخصوصه باید این نکته را از نظر دوز نداشت که چون
 چنانکه همه کس میدانند در اشعار خواجه از عهد او تا عصر ما شاید بیشتر از هر شاعری
 دیگر متدرجا اشعار الحاقی بشمارای از دیگران در جزو اشعار او داخل شده است
 لهذا اگر بیستی یا ابیاتی از شعراء دیگر در ضمن اشعار او دیده شود نمیتوان با اطمینان
 قلب ادعا نمود که خواجه آن بیت یا ابیات را تضمین کرده است چه محتمل است
 (و بلکه غالباً عین واقع است) که آن اشعار را نساخ یا خوانندگان متأخر از عصر
 خواجه بمناسبتی از مناسبات (مانند اشترک آن بیت مفروض در وزن و قافیه با
 اشعار خود خواجه یا تقارب در مضمون و سبک و اسلوب مابین آن دو یا صاف و ساده
 در نتیجه سهو و اشتباه نساخ یا قراء یا از راه مسامحه و مسامله و اعتماد ایشان بشهرت
 کاذبه) در جزو اشعار خواجه داخل کرده باشند ، بخصوص که بسیاری از شعراء
 معاصر با خواجه یا متأخر از او بواسطه فرط مطبوعیت و اشتها اشعار حافظ بسیاری
 از غزلهای او را « استقبال کرده اند یا آنکه خود حافظ بسیاری از غزلهای معاصرین

یا متقدمین بر خود را مانند سعدی و اوحدی و عراقی و خواجه و عماد فقیه و سلمان ساوجی و غیرهم را استقبال کرده است (رجوع شود بمقدمه مرحوم سید عبدالرحیم خلخالی بر طبع خود از دیوان حافظ صفحه کج - له که در آنجا فهرست مفصلی از غزلهای هر دو نوع مذکور را از خواجه و دیگران که از یکدیگر استقبال نموده اند با مطالع آنها بدست داده است) و این اشعار اصلی و اشعار استقبال شده چنان در طرز و سبک و اسلوب و مضمون و فکر و استعمال عین همان کلمات و جمل و تعیرات با یکدیگر شبیه اند و بعلاوه چنان در وزن و قافیه و ردیف عیناً و من جمیع الوجوه با یکدیگر مطابق و متحد اند که کم کسی جز نهاریر ادباً و فضلا و نقادین شعر میتوانند قائلین آنها را از یکدیگر تمیز دهند و بنا بر این واضح است که در نتیجه همین فرط تشابه و تجانس انتقال بعضی از اینگونه اشعار و غزلیات متشابهه با یکدیگر از دیوان یکی از شعراء قائلین آنها بدیوان دیگری در نهایت سهولت و آسانی دست میدهد لهذا چگونه میتوان اطمینان نمود که فلان بیت سعدی یا اوحدی یا خواجه یا عماد فقیه که در ضمن بعضی غزلیات حافظ دیده میشود آیا خود حافظ آنها را بر سبیل تضمین در اشعار خود درج کرده یا آنکه در نتیجه تشابه و تجانس مذکور در فوق نساخ یا قراء آنها را تعداً یا سهواً و اشتهاهاً در اشعار خواجه داخل کرده اند، بنا بر این مقدمات ما این نوع ابیات مشکو که را اگر در نسخ بسیار قدیمی دیوان خواجه و قریب العصر با او (مانند نسخ چهارگانه مرحوم خلخالی و آقای مرآت و آقای اقبال و آقای نخجوانی که اساس تصحیح دیوان خواجه طبع وزارت فرهنگ سنه ۱۳۱۹ - ۱۳۲۰ شمسی است) یافت نشود، بهیچوجه در جز و تضمینهای

۱- و حتی در نسخ بسیار قدیمی دیوان خواجه نیز اگر ابیاتی تمام و کامل (نه مضاربع) از اشعار شعرای دیگر دیده شود باز یقین نمی توان نمود که آن ابیات تضمین خود خواجه باشد و الحاقی نساخ متأخر نباشد، و مثال واضح این قرعه دویست ذیل است که در قدیمترین نسخ تاریخ دار دیوان خواجه یعنی نسخه مرحوم خلخالی مورخه سنه ۸۲۷ در جزو مقطعات حافظ ثبت است (س ۲۶۳ از چاپ خلخالی و ۳۶۹ از چاپ وزارت فرهنگ):

سال وفال و مال و حال و اصل و نسل و تخت و بخت بادت اندر شهر یاری بر قرار و بر دوام
سال خرم فال نیکو مال و افر حال خوش اصل ثابت نسل باقی تخت عالی بخت برام
بقیه در صفحه بعد

خواجه محسوب نیداریم و در امثله که ذیلاً برای آن تضمینات بدست میدهم فقط بمصاریعی که حافظ از اشعار دیگران اقتباس کرده و در جزو اشعار خود تضمین نموده اکتفا می‌نمائیم و از بیت یا ابیات کامل شعرای دیگر که در ضمن اشعار حافظ یافت میشود چون بدلائل مذکوره در فوق هیچ اطمینانی نیست که آیا آنها تضمین خود خواجه است یا الحاقی است که بعد ها داخل دیوان خواجه شده بکلی چشم می‌پوشیم .

بقیه از صفحه ۶۸

و حال آنکه عین همین دو بیت تقریباً بدون هیچ کم و زیادتی و اختلافی مگر بسیار جزئی در دیوان معزی دیده میشود آنهم دو مرتبه نه يك مرتبه: یکی در ص ۴۸۳ از چاپ دیوان مزبور بتوسط فاضل دانشمند آقای عباس اقبال در طهران سنه ۱۳۱۸ شمسی در قصبه در مدح سلطان ملک شاه سلجوقی از اینقرار :

مال و حال و سال و فال و اصل و نسل و تخت و بخت

بادت اندر پادشاهی بر مراد و بر قوام
مال وافر حال نیکو سال فرخ فال سعد

اصل راضی نسل باقی تخت عالی بخت رام

و مرتبه دیگر در ص ۳۱۶ از همان دیوان مزبور ولی این مرتبه با قافیه راء بجای

قافیه میم : سرافراز تبار ، و بخت یار ، ولی باقی جمل و کلمات تقریباً بعینه مثل ص ۴۸۳ است . و مثال دیگر از همین قبیل رباعی ذیل است که در همان قدیمترین نسخ موجوده و ن حافظ یعنی نسخه مرحوم خلغالی در جزو رباعیات خواجه مسطور است ص ۲۷۱ چاپ خلغالی و ص ۳۸۴ از چاپ ما :

گشتی که ترا شوم مدار اندیشه
دل خوش کن و لرصبر شمار اندیشه
کو صبر و چه دل کانه دلش میخواهد
يك قطره خون است و هزار اندیشه

و حال آنکه در يك نسخه خطی بسیار قدیمی که عبارت است از مجموعه بزرگی از رباعیات شعراء مختلف و موسوم است بنه "جالس و ... ست یکی از کتابها نهی استامبول که مرحوم حسین داس در چهار پنج سال قبل عکسی از تمام آن نسخه برداشته برای مرحوم محمد علی فروغی فرستاد و تاریخ کتابت این نسخه در کمال وضوح در سنه هفتصد و سی و يك است یعنی ۶۱ سال قبل از وفات حافظ (که در آن تاریخ حافظ جوانی بوده در حدود ۱۵ الی ۲۰ ساله و هنوز بشعر و شاعری نیرداخته بوده) عین این رباعی را در ص ۱۰۸ از نسخه مزبوره بعایشه سمرقندیه نسبت داده است و خود راقم این مسطور شخصاً آن نسخه عکسی را دیده و رباعی مزبور را از روی آن استنساخ کرده ام .

تنبیه

در تضمین لازم نیست که شاعر دوم عین ابیات یا مضاربع شاعر اول را بعینها و بالفاظها و بدون هیچ تغییری و تصرفی در شعر خود محفوظ بدارد . بلکه بتصریح عموم علمای فن بدیع بعضی تصرفات جزئی در الفاظ و عبارات و ترتیب کلمات شعر شاعر اول برای اقامه وزن یا قافیة شعر خود او را رواست که مجری دارد و معمول به عموم شعر است چه شعراء عرب و چه شعراء فارسی زبان چنانکه در امثله که بعد از این برای تضمین های حافظ مذکور خواهد شد مشهود خواهد گردید . و مخفی نماند که خواجه در اشعار خود هم از اشعار عربی تضمین نموده و هم از اشعار فارسی ، و ما ابتدا بدین ترتیب بعضی امثله تضمین اشعار عربی بتوسط خواجه می پردازیم و سپس بامثله تضمین اشعار فارسی :

۱ - تضمینهای اشعار عربی

الف - دوبیت اول غزل ۶۶۱ خواجه چنین است :

کتبت قصة شوقی و مدمعی باکی بیا که بی تو بجان آدمم ز غمناکی
 بسا که گفته ام از شوق باد و دیده خویش ایا منازل سلمی فأین سلماک
 مصراع دوم بیت دوم یعنی « ایا منازل سلمی فأین سلماک » با تغییر بسیار جزئی حذف فاء « فأین » ظاهر از شریف رضی است در مطلع قصیده بسیار مشهوری از او که چنین شروع میشود :

ایا منازل سلمی این سلماک من اجلها اذ بکیناها بکیناک
 زرناک شوقاً و لو ابدی النوی بسطت ارض القلا جمر نیران لزرناک
 یا ظیة البان ترعی فی جمائله لیهنک الیوم ان اقلب مرعاک
 و از این قصیده است بیت مشهور :

سهم اصاب و راعیه بذی سلم من بالهراق لقد ابعدت مرماک
 در کتاب نزهة الجلیس و منیة الادیب الانیس تألیف عباس بن علی بن نورالدین مکی حسینی موسوی که در سنه ۱۱۴۸ تالیف شده و در مضمون در سنه ۱۲۹۳ قمری در دو جلد بچاپ رسیده در جلد ۲ ص ۳۶۳ از کتاب مزبور این قصیده سید رضی

را بتمامها با همین مطلع ایامنازل سلمی این سلماک الخ نقل کرده است. ولی در سه نسخه دیوان شریف رضی که بنظر راقم سطور رسیده یکی طبع بمبئی سنه ۱۳۰۶ قمری و دیگری طبع بیروت سنه ۱۳۰۹ قمری و سوم نسخه خطی متعلق بکتابخانه حقوق در طهران در هیچکدام از سه نسخه مزبور دو بیت اول این قصیده که در فوق مذکور شده موجود نیست بلکه در هر سه نسخه این قصیده از همان بیت سوم یعنی:

ياظيية ابان قرعى فى خمائله ابهتك اليوم ان القلب مرعاك

شروع میشود، پس یا باید فرض کرد که سه نسخه مذکور دیوان سید رضی هر سه ناقص است و دو بیت اول این قصیده از آنها افتاده است (در طهران بواسطه ندوت اینگونه وسائل دسترسى بنسخه یا نسخی دیگر از دیوان شریف رضی نداشتم تا از این مسئله نغیاً یا اثباتاً یقین حاصل کنم)، یا باید فرض کرد که شاید این دو بیت اول از این قصیده العاقی است از شعرای دیگر و از خود سید رضی نیست و قصیده از همان بیت یاظيية ابان الخ شروع میشده است، و علی ای حال این بیت مطلع یعنی ایامنازل سلمی این سلماک چه از سید رضی بوده یا نبوده ظاهراً آیتی بغایت مشهور و برالسنه و افواه ادبا جاری و مذکور بوده است، سید احمد الهاشمی از فضلاء معاصرین مصر و مدیر مدارس فؤاد الاول در کتاب «جواهر البلاغة فى المعانى والبیان و البديع» (طبع پنجم مصر سنه ۱۳۵۰ ص ۷۵) در مبحث نداء گوید: «وقد تخرج الفاظ النداء عن معناها الاصلی لعمان آخر مجازية تفهم من السياق بمعونة القرائن و من اهم ذلك الاغراء، (والاستغانة والتدبة والتعجب والزجر والتحسر و التوجع والتذکر) والتحیر والتضجر نحو قوله ایامنازل سلمی این سلماک من اجلها اذ بکیناها بکیناک و یکثر هذافی نداء الاطلاع والمطایا ونحو ذلك» .

و مخفی نماناد که قصیده شریف رضی از بحر بسیط است بروزن (مستفعلن فاعلن مستفعلن فعلن) و غزل حافظ از بحر مجتث است بر وزن (مفاعلن فعلا تن مفاعلن فعلن) و باین جهت است که حافظ چون مصراع مذکور «ایامنازل سلمی این سلماک» را خواسته در غزل خود تضمین نماید مجبور شده يك حرف فائى بر «این سلماک» بیفزاید تا مصراع مذکور از بحر بسیط ببحر مجتث منتقل گردد، و در تضمین چنانکه در بالا اشاره شد این نوع تغییرات جزئی را مجاز داشته اند (رجوع شود بخرانه الأدب این حجة حموی و مطول تفتازانى و انوار الربیع سید علیخان و غیر ذلك از ماخذ)، بقیه امثله تضمینهای خواجه در شماره بعد مذکور خواهد شد